

تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی

نویسنده: دکتر یدالله سبوحی

چکیده

استمرار خط مشی یارانه انرژی سبب شده است که منابع نظام اقتصادی از طریق مصرف حاملهای انرژی توزیع شود. توزیع منابع از طریق اجرای سیاست یارانه انرژی، انحراف قیمتهای حاملهای انرژی از هزینه نهایی را به دنبال داشته و پیامد آن کاهش رفاه اجتماعی است. پرداخت یارانه انرژی سبب شده است که نسبت قیمتهای انرژی به قیمتهای دیگر عوامل تولید، متناسب با امکانات و محدودیتهای نظام اقتصادی نباشد و اطلاعات مخدوش در دسترس تولیدکنندگان و مصرف کنندگان حاملهای انرژی قرار گیرد. پیامد مخدوش بودن اطلاعات این بوده است که فن آوری تولید با بازده اندک رواج پیدا کند و به دلیل آن، کارایی تولید در سطح پایینی قرار گیرد. بنابراین، کاهش رفاه اجتماعی و نقصان بازده تولید، هزینه‌ای است که به دلیل استمرار اجرای خط مشی یارانه انرژی به جامعه تحمیل می‌شود. مجموع هزینه اضافی ناشی از پرداخت یارانه انرژی در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۶۹۴۳ میلیارد ریال برآورد می‌گردد. این رقم هزینه فرصت از دست رفته خط مشی یارانه انرژی است. اگر رقم مزبور بر هزینه تولید و عرضه انرژی در داخل کشور افزوده شود، اطلاعات درباره کل هزینه مستقیم و غیرمستقیم انرژی به دست می‌آید که در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۱۳۶۴۸ ریال به ازای یک بشکه معادل نفت (انرژی نهایی) برآورد شده که براساس نرخ تبدیل یک دلار برابر ۳۰۰۰ ریال معادل ۳۷/۹ دلار برای یک بشکه معادل نفت می‌باشد. مقایسه رقم مزبور با قیمت نفت در بازارهای جهانی، حاکی از آن است که هزینه انرژی جامعه به دلیل پیگیری سیاست یارانه انرژی رقم بسیار بالایی است و پیامد آن از دست رفتن مزیت نسبی نظام اقتصادی در زمینه انرژی و محدود شدن امکانات و منابع اقتصادی کشور بوده است.

بازنگری در سیاست یارانه انرژی کشور و تجدیدنظر در تخصیص منابع، مستلزم آن است که قیمتهای حاملهای انرژی در داخل کشور افزایش یابد و انجام این امر در کوتاه‌مدت دارای پیامدهای

اقتصادی و اجتماعی است و لازم است در فراگرد اصلاح نظام قیمتگذاری انرژی مورد عنایت قرار گیرد.

افزایش قیمت‌های انرژی بر هزینه تولید و عرضه کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد، و به تبع آن، رشد هزینه زندگی اتفاق می‌افتد. همزمان با رویداد پدیده مزبور، درآمد دولت افزایش می‌یابد، و این امر، در ایجاد تعادل در بودجه دولت مؤثر خواهد بود و دستاورد آن می‌تواند کنترل پایه پولی کشور باشد که در کوتاه مدت ممکن است به ارتقای سطح قدرت خرید مردم منجر شود.

لازمه بهره‌برداری از مزیت نسبی نظام اقتصادی در زمینه انرژی و توسعه امکانات و منابع اقتصادی کشور، آن است که اصلاح ساختاری در نظام اقتصادی به طور کلی، و در بخش انرژی به‌ویژه، انجام گیرد و ایجاد رقابت در بخش انرژی و تحول در فن آوری تولید در راستای عقلایی نمودن مصرف حامل‌های انرژی و بهبود بازده انرژی فرایندها و تجهیزات مدنظر باشد. تحقق امور مزبور، مستلزم تخصیص منابع است که باید همزمان با اصلاح قیمت انرژی پی گرفته شود.

الزامات اجتماعی و ضرورت‌های تخصیص منابع برای اصلاح ساختاری ایجاب می‌کند که تأثیرات منفی و مثبت اصلاح نظام قیمتگذاری انرژی بررسی شود و ضمن شناسایی مجموعه موارد لازم‌الاجرا در فراگرد اصلاح قیمت انرژی، اولویت‌بندی امر تخصیص مجدد منابع یارانه انرژی مورد توجه باشد. برای اینکه بتوان پاسخ مناسب به ضرورت مزبور ارائه نمود، مدل تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی توسعه یافته و برای ارزیابی امر تخصیص مجدد منابع یارانه انرژی مورد استفاده قرار گرفته است. در این مقاله، مبانی مدل مزبور و نتایج حاصل از کاربرد آن به طور مختصر ارائه می‌شود.

در پی اصلاح قیمت انرژی، باید مجموعه‌ای از اقدامات پی گرفته شود که از یک سو، آثار منفی افزایش قیمت انرژی را جبران نماید، و از سوی دیگر، زمینه لازم برای اصلاح ساختاری در نظام اقتصادی و ارتقای سطح کارایی عوامل تولید را فراهم آورد. برخی اقدامات در کوتاه‌مدت انجام می‌گیرد و دارای آثار کوتاه مدت هستند و دستاوردهای بعضی دیگر از اقدامات، در بلندمدت تحقق می‌یابد. بنابراین، شناسایی مجموعه اقدامات و اولویت‌بندی آنها باید در بُعد زمان نیز مطرح باشد. ابزار تحلیلی تخصیص بهینه منابع به منظور جستجوی گزینه مناسب اصلاح قیمت انرژی توسعه یافته و به کمک آن مناسبترین راه‌های اصلاح قیمت انرژی با هدف دستیابی به تعادل اقتصادی و ایجاد رقابت در بخش انرژی مورد شناسایی قرار گرفته است. تعادل اقتصادی در بلندمدت به حداکثر شدن رفاه اجتماعی و توسعه رقابت در بخش انرژی منجر می‌شود و دستاورد مهم آن، ارتقای سطح کارایی و عرضه انرژی و گسترش بارده مزیت نسبی نظام اقتصادی است. در این حالت، توسعه پایدار نظام اقتصادی شکل می‌گیرد.

نتایج حاصل از ارزیابی ابعاد و قانونمندیهای فرایند اصلاح قیمت‌های انرژی، حاکی از آن است که منابع حاصل از افزایش قیمت انرژی لازم است به چهار امر مهم اختصاص پیدا کند. مورد اول، جبران آثار منفی افزایش قیمت انرژی بر هزینه زندگی و نقدینگی بخش‌های تولیدی است؛ مورد دوم، تخصیص منابع به منظور ایجاد تحول در فن آوری تولید است که به ارتقای سطح بازده انرژی در

تجهیزات و فرایند منجر می‌شود، و این امر، از طریق ارائه تسهیلات به واحدهای تولیدی و خدماتی برای اجرای طرحهای صرفه‌جویی انرژی صورت می‌پذیرد، و به کمک آن، نسبت قیمت سرمایه (طرحهای صرفه‌جویی انرژی) به قیمت انرژی، تنزل می‌یابد و زمینه مناسب برای ایجاد تحول ساختاری فراهم می‌آید؛ مورد سوم از مجموعه اقدامات مربوط به تخصیص منابع یارانه انرژی، ارائه تسهیلات برای ایجاد و گسترش رقابت از طریق فعال نمودن بخش خصوصی در امر تولید و عرضه حاملهای انرژی است و ترغیب بخش خصوصی به فعالیت در بخش انرژی مورد هدف است. قسمت چهارم، امر تخصیص مجدد منابع یارانه انرژی، مهار نرخ رشد پایه پولی با استفاده از امکانات مالی حاصل از افزایش قیمت انرژی را شامل می‌شود. از طریق انجام این امر، زمینه برای تثبیت سیاست اصلاح قیمت انرژی و گسترش و تعمیق دستاوردهای آن فراهم می‌آید و از عدم تناسب قیمتهای انرژی با قیمتهای دیگر عوامل تولید و کالاها در آینده نزدیک جلوگیری به عمل می‌آید و فرصت کافی برای اجرای سیاست تثبیت شکل می‌گیرد.

تخصیص مجدد منابع یارانه انرژی به موارد چهارگانه مذکور و اجرای آن در چند سال آینده، تحت عنوان دوره زمانی تثبیت سیاست اصلاح قیمت انرژی معرفی می‌گردد که پایداری خط‌مشی ایجاد تعادل بهینه در اقتصاد انرژی کشور و بهبود کارایی اقتصادی در بخش انرژی را تضمین می‌نماید. تشریح و تبیین امر سازماندهی فرایند اصلاح قیمت انرژی در طول زمان، موضوع بحث پایانی مقاله است که براساس نتایج ارزیابی تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی انجام می‌گیرد.

۱. مقدمه

قیمتهای حاملهای انرژی در جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت تنظیم می‌شود. در چند دهه گذشته تلاش دولت بر تثبیت قیمتهای جاری انرژی در یک سطح ثابت متمرکز بوده و تغییر قیمتهای انرژی با مقاومت اجتماعی مواجه گشته است. تثبیت قیمتهای جاری انرژی و تغییر قیمتهای سایر نهادهای تولید و کالاها و خدمات سبب شده است هزینه تولید و عرضه حاملهای انرژی افزون بر قیمتهای آن در بازار کشور باشد. در نتیجه پرداخت یارانه انرژی بروز پیدا کرده و به صورت یکی از ویژگیهای بارز اقتصاد و انرژی کشور تجلی یافته است.

تداوم خط‌مشی پرداخت یارانه انرژی در دو دهه گذشته به رشد سریع تقاضای انرژی منجر

گشته و در پی آن بر حجم سرمایه گذاری در بخش انرژی و تخصیص منابع اقتصادی قابل توجه به تولید و عرضه حاملهای انرژی افزوده شده است. ضرورت تأمین تقاضای انرژی و لزوم تخصیص حجم وسیعی از منابع اقتصادی به امر توسعه بخش انرژی بر امکانات و توانمندیهای نظام اقتصادی تأثیر جدی گذاشته و در اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی دشواریهای فراوانی را در فراراه توسعه اقتصادی و اجتماعی به وجود آورده است. از این رو، بازنگری اساسی در خط مشی یارانه انرژی در نیمه اول دهه ۱۳۷۰ شمسی مطرح گردید. بازنگری در سیاست انرژی موجب می شود قیمت انرژی افزایش یابد و هزینه تأمین انرژی به مصرف کننده حاملهای انرژی انتقال پیدا کند. افزایش قیمت انرژی و تأثیر آن بر شاخصهای خرده فروشی و عمده فروشی نگرانیهای جدی در رابطه با ایجاد تحول در اقتصاد انرژی به وجود آورده است. به تبع این امر، بحث و بررسی آثار تغییر سیاست یارانه انرژی بر سطح قیمتها و نظام اقتصادی به یک امر لازم تبدیل شده است. در چارچوب مقاله حاضر، مروری بر هزینه نهایی بلندمدت انرژی، حجم یارانه انرژی و توزیع آن در سطح جامعه مورد اشاره قرار می گیرد و این موضوع با بحث و بررسی پیامدهای تداوم خط مشی پرداخت یارانه انرژی در بخش سوم دنبال می شود. در قسمت چهارم مقاله تأثیر افزایش قیمت انرژی بر هزینه زندگی موضوع بحث خواهد بود و در پایان به روش تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی اشاره می گردد.^۱

۲. یارانه انرژی و توزیع آن

یارانه انرژی مابه التفاوت هزینه نهایی و قیمتهای جاری حاملهای انرژی است. هزینه نهایی تولید، عرضه و توزیع حاملهای انرژی به کمک مدل پویای توسعه بلندمدت سیستم عرضه انرژی برآورد شده و نتایج حاصل از آن در جدول یک مشاهده می شود.

۱. مباحث مقاله حاضر براساس نتایج گزارش "تخصیص مجدد منابع یارانه انرژی" تهیه گشته است. این گزارش حاصل توسعه و کاربرد مدلهای ارزیابی آثار تغییرات قیمتهای انرژی است که با همکاری معاونت برنامه ریزی وزارت نفت و گروه مطالعات جامع انرژی در دانشگاه صنعتی شریف انجام شده است.

جدول ۱. مقایسه هزینه نهایی و قیمت‌های حامل‌های انرژی

(واحد: ریال به واحد متعارف)

یارانه در سال	هزینه نهایی در سال ۱۳۷۵	قیمت در سال ۱۳۷۶	واحد متعارف	حامل انرژی
۵۸	۱۱۲	۵۴	کیلووات ساعت	برق
۱۶۴	۱۸۶	۲۲	متر مکعب	گاز طبیعی
۹۱	۲۰۰	۱۰۹	کیلوگرم	گاز مایع
۴۸۵	۶۴۵	۱۶۰	لیتر	بنزین
۶۳۴	۷۹۴	۱۶۰	لیتر	سوخت‌های هوایی
۷۵۰	۷۹۰	۴۰	لیتر	نفت سفید
۶۶۱	۷۰۱	۴۰	لیتر	نفت گاز
۱۶۸	۱۸۸	۲۰	لیتر	نفت کوره
۵۰۰	۵۶۱	۶۱	لیتر	فرآورده‌های نفتی

مقایسه هزینه نهایی و قیمت‌های جاری حامل‌های انرژی در جدول یک حاکی از آن است که منابع قابل توجه اقتصادی به صورت یارانه انرژی توزیع می‌گردد. حجم منابع مزبور در سال ۱۳۷۵ برابر ۴۴۵۵۷ میلیارد ریال بوده و این رقم معادل ۱۵/۲٪ تولید ناخالص داخلی کشور در آن سال است.

توزیع یارانه انرژی در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی حاکی از آن است که بخش‌های خانگی، صنعت، حمل و نقل و کشاورزی دریافت کنندگان عمده یارانه انرژی بوده‌اند سهم آنها در یارانه انرژی برابر ۸۶٪ بوده است. یارانه انرژی از طریق مصرف حامل‌های انرژی در جامعه توزیع گشته و منابع مزبور از محل امکانات بالفعل و بالقوه جامعه که توسط دولت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تأمین شده است. منابع بالقوه و بالفعل جامعه درآمدهای نفتی و استقراض بانکی بوده است. بنابراین، یارانه انرژی وسیله‌ای برای توزیع منابع حاصل از درآمدهای نفت و افزایش هزینه‌های

زندگی خانوارها بوده و موجب شده است بخش قابل توجهی از امکانات نظام اقتصادی براساس معیار مقدار مصرف حاملهای انرژی در سطح جامعه توزیع گردد.

۳. پیامدهای تداوم خط مشی یارانه انرژی

پرداخت یارانه انرژی سبب می‌شود قیمت‌های حاملهای انرژی کمتر از هزینه تولید و عرضه آنها باشد و به تبع آن انحراف قیمت‌ها شکل می‌پذیرد. انحراف قیمت‌ها سبب می‌گردد اطلاعات غیرواقعی در مورد کمیابی منابع اقتصادی در دسترس عوامل اقتصادی قرارگیرد و در نتیجه، الگوی رفتار براساس اطلاعات مخدوش تحول پیدا می‌کند. پیامد این امر آن است که نسبت قیمت‌های نهاده و کالاها نامتوازن می‌شود و عدم تناسب قیمت‌ها بر ترکیب نهاده‌ها در فرایندهای تولید و سبد کالاهای خانوار تأثیر می‌گذارد. برآیند رویدادهای مزبور ترجیح مصرف حاملهای انرژی و جایگزینی سرمایه و سایر نهاده‌ها با انرژی است.

ترکیب نامناسب نهاده‌ها در فرایندهای تولیدی و کالاها در سبد زندگی به رشد سریع تقاضای انرژی و توزیع منابع براساس معیار مصرف حاملهای انرژی منجر می‌گردد و در پی آن، ناهنجاریهای فراوانی را در نظام اقتصادی و اجتماعی پدیدار می‌شود. پیامدهای تداوم خط‌مشی یارانه انرژی را می‌توان در دو گروه عمده به ترتیب زیر خلاصه نمود.

۳-۱. کاهش امکانات و محدود شدن توانمندیهای نظام اقتصادی

انحراف قیمت‌ها و عدم تناسب ترکیب نهاده‌ها و کالاها با امکانات و منابع کشور، به محدود شدن توانمندیهای جامعه منجر می‌گردد که دلایل عمده آن به ترتیب زیر می‌باشد:

الف) کاهش رفاه اجتماعی

انحراف قیمت‌ها از هزینه نهایی افت رفاه اجتماعی را در پی دارد و مقدار آن در سال ۱۳۷۵ به ۷۱۶۳ میلیارد ریال برآورد می‌شود.

ب) محدود شدن منابع ارزی کشور

رشد سریع تقاضای انرژی سبب می‌شود صادرات انرژی محدود شود و این بر تعادل عرضه و تقاضای ارز تأثیر منفی دارد. در پی عدم تعادل عرضه و تقاضای ارز، نرخ تبدیل ارز خارجی رشد می‌یابد و این امر افزایش هزینه زندگی را به دنبال دارد. مقدار کاهش درآمد ارزی به دلیل بالفعل نشدن پتانسیل صرفه‌جویی انرژی در سال ۱۳۷۵ برابر ۹۰۰۰ میلیارد ریال^۱ بوده و هزینه فرصت افزایش نرخ تبدیل ارز در پی تأثیر منفی رشد سریع تقاضای انرژی بر تعادل عرضه و تقاضای ارز خارجی معادل ۲۳۷ میلیارد ریال برآورد شده است.

ج) رشد نرخ تورم

رشد سریع اعتبارات جاری و عمرانی بخش انرژی سبب شده هزینه‌های دولت با شتاب بالایی افزایش یابد و این امر بر بروز کسری بودجه دولت تأثیر داشته و رشد نرخ تورم از عوارض آن بوده است، هزینه فرصت نرخ تورم ناشی از رشد تقاضای انرژی برابر ۵۴۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ تخمین زده می‌شود.

د) تخصیص منابع به مصارف جاری

انرژی از نهاده‌های عملیاتی واحدهای تولیدی و خدماتی و از کالاهای مصرفی خانوارها به شمار می‌آید و پرداخت یارانه انرژی به منزله آن است که بخشی از هزینه‌های جاری واحدهای تولیدی و خانوارها از محل منابع درآمد نفت یا استقراض بانکی تأمین می‌شود. پیامد این امر آن است که ثروت ملی به مصارف جاری اختصاص پیدا می‌کند. برآیند رویداد مزبور در نظام اقتصادی آن است که منابع توسعه کشور محدود می‌گردد و نرخ رجحان زمانی^۲ در نظام اقتصادی افزایش می‌یابد.

۱. نرخ تبدیل ارز در سال ۱۳۷۵ برابر ۳۰۰۰ ریال برای یک دلار فرض شده است.

2. Time Preference Rate

۳-۲. توزیع ناعادلانه ثروت ملی

یارانه انرژی و سیله‌ای برای توزیع ثروت ملی (یعنی درآمدهای نفت) جهت تأمین مصارف جاری بوده است. در این حالت، مصرف بالای حاملهای انرژی سبب می‌شود بهره‌مندی مصرف‌کننده انرژی از منابع ملی ازدیاد پیدا کند. یارانه انرژی از یک سو ترغیب مصرف زیاد را به دنبال داشته از سوی دیگر، به ارتقای سطح رفاه زندگی افراد حقیقی و حقوقی که از امکان مصرف زیاد انرژی برخوردار هستند منجر شده است.

توزیع منابع یارانه انرژی در بخش خانگی نشان می‌دهد خانوارهای مرفه سهم بالایی در منابع یارانه انرژی داشته‌اند. در جدول ۲ ضریب جینی مصرف و یارانه انرژی در مناطق شهری و روستایی ارائه شده و نتایج مندرج در جدول حاکی از آن است که یارانه انرژی ابزاری است که توزیع ثروت ملی به سود اقشار مرفه و پرمصرف جامعه را در پی داشته است.

جدول ۲. ضرایب جینی شهری و روستایی و بین شهر و روستا برای

مصرف و یارانه انرژی

یارانه انرژی		مصرف انرژی		مناطق
روستایی	شهری	روستایی	شهری	
۰/۰۲۰۱	۰/۱۲۹۵	۰/۰۰۷۰	۰/۱۲۶۹	شهری
۰/۱۸۶۴	۰/۵۱۶۳	۰/۱۳۲۰	۰/۴۹۴۱	روستایی
۰/۲۲۸۷		۰/۲۱۲۴		ضریب جینی کل

۴. تأثیر افزایش قیمت انرژی بر هزینه زندگی

افزایش قیمت انرژی به سطح هزینه نهایی آن به ازدیاد هزینه تولید و عرضه کالاها و خدمات منجر می‌شود و این امر بر هزینه زندگی خانوارها تأثیر می‌گذارد. افزایش هزینه زندگی در پی تغییر

سیاست قیمتگذاری انرژی از دو علت اساسی ناشی می‌شود که عبارتند از:

۴-۱. افزایش نرخ تورم

نرخ تورم بر اثر ازدیاد حجم نقدینگی و رشد سرعت گردش پول در جامعه افزایش می‌یابد. تغییر قیمت انرژی بر حجم نقدینگی تأثیر ندارد ولی حجم معاملات در بازار کالاها و عوامل را توسعه می‌دهد. بر اثر توسعه حجم معاملات سرعت گردش پول افزایش پیدا می‌کند. ازدیاد حجم معاملات در پی حذف یارانه انرژی برابر ۴۴۵۵۷ میلیارد خواهد بود که با توجه به حجم نقدینگی جامعه و سرعت گردش پول، تورم ناشی از افزایش حجم معاملات قریب به ۱۳/۹٪ خواهد بود.

۴-۲. انتقال هزینه از دولت به مصرف‌کننده انرژی نهایی

علت پدیدار شدن یارانه انرژی آن است که بخشی از هزینه تولید و عرضه انرژی توسط دولت و از محل درآمدهای نفت تأمین می‌شود. در پی رویداد مزبور افزایش هزینه زندگی روی می‌دهد. افزایش مخارج زندگی در پی انتقال هزینه تولید و عرضه انرژی به مصرف‌کنندگان آن به افزایش نسبی هزینه زندگی خانوارها منجر می‌شود.

در صورتی که بخشی از منابع حاصل از حذف یارانه انرژی به کنترل حجم نقدینگی کشور اختصاص پیدا کند می‌توان تا حدودی تأثیر توسعه حجم معاملات بر سرعت گردش پول را کاهش داد و در نتیجه، بخش عمده افزایش مخارج زندگی به انتقال هزینه تولید، و عرضه انرژی از دولت به مصرف‌کننده انرژی محدود خواهد شد. با فرض اینکه مبلغ ۶۰۰۰ میلیارد ریال از منابع حاصل از حذف یارانه انرژی به کنترل رشد پایه پولی تخصیص داده شود. برآیند کلی تأثیر افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی به سطح هزینه نهایی آنها بر سطح زندگی خانوارها طبق جدول ۳ محاسبه شده است. در حقیقت، ارقام مندرج در جدول تأثیر هر دو مؤلفه تغییرات قیمت‌ها به طور همزمان منعکس می‌سازد.

جدول ۳. افزایش نسبی هزینه زندگی خانوارهای شهری و روستایی در دهکهای مختلف

(واحد: درصد)

متوسط	۱	۲	۳	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
شهری	۲۷	۲۷	۲۶	۲۶	۲۷	۲۶	۲۶	۲۷	۲۵	۲۳
روستایی	۳۵	۳۵	۳۴	۳۲	۳۱	۳۲	۳۰	۳۰	۲۸	۲۶

۵. روش تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی

پرداخت یارانه انرژی سبب می‌شود حجم وسیعی از منابع اقتصادی، که منشأ آن به طور عمده ثروت ملی (درآمدهای نفت) و استقراض بانکی است، بین بخشهای اقتصادی و اجتماعی توزیع شود. تداوم سیاست پرداخت یارانه انرژی به نقصان منابع کشور، پایان‌پذیری ثروت ملی، افت بهره‌وری و کارایی در نظام اقتصادی و کاهش رفاه اجتماعی منجر می‌گردد و به تبع آن توانمندیهای نظام اقتصادی و اجتماعی روبه تحلیل می‌رود. بازنگری اساسی در سیاست قیمتگذاری انرژی یک الزام اجتماعی و یک ضرورت عاجل است.

ایجاد تحول اساسی در خط مشی یارانه انرژی و هدایت منابع مربوط به یارانه انرژی در راستای اصلاح ساختار اقتصاد و هدفمند نمودن یارانه انرژی به منظور بسط عدالت اجتماعی و گسترش مزیت نسبی نظام اقتصادی ایجاب می‌کند، برنامه جامع اصلاح یارانه انرژی و با تأکید بر تخصیص مجدد منابع تدوین شود.

یارانه انرژی باید با توجه به تأثیر آن در بودجه خانوار و هزینه واحدهای تولیدی و خدماتی و با هدف ایجاد تحول ساختاری در نظام اقتصادی و در راستای ارتقای سطح کارایی تولید و عرضه کالاها و خدمات و به منظور منطقی نمودن مصرف انرژی در بخشهای اقتصادی و اجتماعی اصلاح گردد. بنابراین، در پی حذف یارانه انرژی لازم است منابع مالی یارانه انرژی به ترتیب موارد زیر تخصیص داده شود:

۱. اصلاح یارانه انرژی از طریق افزایش قیمت‌های انرژی به هزینه تولید و عرضه آنها، در کوتاه‌مدت به ازدیاد هزینه زندگی خانوارهای منجر می‌شود. برای مقابله با آثار منفی افزایش

قیمت انرژی بر هزینه زندگی خانوارها، لازم است بخشی از درآمدهای حاصل از فروش حاملهای انرژی به منظور افزایش سطح درآمد خانوارها در ۳ دهک پایین و جبران آثار منفی حذف یارانه انرژی بر هزینه زندگی گروههای کم درآمد (۵ دهک اول شهری و ۷ دهک اول روستایی) تخصیص داده شود.

۲. افزایش قیمت انرژی در واحدهای صنعتی موجب خواهد شد هزینه عملیاتی واحدها ازدیاد پیدا کند. برای جبران کمبود نقدینگی در واحدهای صنعتی لازم است تسهیلات مالی در اختیار واحدهای صنعتی قرار داده شود.

۳. نوسازی فرایندهای تولیدی و به کارگیری فن آوری صرفه جویی و بازیافت انرژی در فرایندهای تولیدی و همچنین بهبود بازده تجهیزات مصرف کننده انرژی (مانند خودرو، یخچال)، گسترش کاربرد منطقی انرژی را در پی دارد. لازم است بخشی از منابع حاصل از حذف یارانه انرژی به صورت تسهیلات مالی جهت حمایت از نوسازی فرایندهای تولیدی و استفاده از فن آوری صرفه جویی انرژی تخصیص داده شود.

۴. با افزایش قیمت انرژی به سطح هزینه تولید و عرضه آن، خانوارها تلاش خواهند نمود با ایجاد تغییرات در درب و پنجره ها و به کارگیری عایقهای حرارتی در ساختمانها، در زمینه صرفه جویی انرژی اقدام نمایند. لازم است تسهیلات مالی جهت حمایت از اقدامات صرفه جویی انرژی خانوارها تخصیص داده شود.

۵. به منظور گسترش کاربرد منطقی انرژی و ایجاد تسهیلات برای اقشار کم درآمد لازم است امکانات مالی برای توسعه حمل و نقل انبوه در شهرهای بزرگ و همچنین حمل و نقل انبوه بین شهرها، به ویژه راه آهن، تخصیص داده شود.

۶. ترویج کاربرد منطقی انرژی ایجاب می کند توانمندیهای نرم افزاری، طراحی و مهندسی، و تحقیق و توسعه صرفه جویی انرژی گسترش یابد. لذا لازم است تسهیلات مالی جهت مساعدت به مهندسين مشاور فعال در زمینه صرفه جویی انرژی، به ویژه تعاونیهای مهندسی و پژوهشی متشکل از فارغ التحصیلان، تخصیص داده شود.

۷. به منظور ایجاد رقابت در بخش عرضه انرژی و بهینه نمودن بهره برداری از منابع و امکانات

اقتصادی، لازم است تسهیلات مالی در اختیار سرمایه گذاران خصوصی یا تعاونی جهت توسعه واحدهای فرآوری، تبدیل و توزیع حاملهای انرژی قرار داده شود.

۸. برای بهره‌برداری از منابع انرژی و امکانات محلی، به ویژه در مناطق روستایی، تسهیلات مالی واگذار می‌شود. ارائه تسهیلات به امر بهره‌برداری از انرژی خورشیدی در واحدهای تولیدی و خدماتی و مناطق روستایی، به کارگیری پتانسیل آبی کوچک، استفاده از بیوگاز و بیوماس بهره‌برداری از سایر منابع محلی در اولویت خواهد بود.

۹. تخصیص منابع یارانه انرژی به امور مربوط به بندهای ۱ الی ۸ در سه سال اول برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و پس از حذف یارانه انرژی الزامی است.

۱۰. از سال چهارم برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی لازم است از تخصیص منابع به موارد ۱ الی ۸ طبق اولویت بندی که تهیه می‌گردد کاسته شده و به بخش انرژی تخصیص داده شود. این اقدام بایستی چنان سازماندهی شود که در پایان ۱۰ سال از شروع برنامه سوم اقتصادی و اجتماعی، کل درآمد حاصل از فروش حاملهای انرژی به تولید و عرضه کنندگان انرژی برگردانده شود.

۱۱. با حذف یارانه انرژی در سال اول برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی، اعتبارات عمرانی و جاری بخش انرژی (نفت، گاز و برق) از بودجه دولت حذف می‌گردد. منابع لازم برای فعالیت بخش انرژی و توسعه آن از محل منابع یارانه انرژی تأمین خواهد شد. به این ترتیب بایستی حذف هزینه‌های جاری و عمرانی انرژی از بودجه دولت و عمومی مدنظر قرار گیرد و این امر اقدام اساسی برای کاهش فعالیتهای اقتصادی دولت است.

۱۲. تسهیلات مالی مذکور در بندهای ۱ الی ۸ از طریق سیستم بانکی و از محل منابع یارانه انرژی در اختیار متقاضیان قرار داده شود. برای جمع‌آوری بازپرداخت تسهیلات مالی در سالهای آتی، صندوق رفاه اجتماعی تشکیل گردد. منابع حاصل از بازپرداخت تسهیلات مالی در صندوق جمع‌آوری و برای حفاظت از محیط زیست و توسعه انسانی و پایدار تخصیص داده شود.

۱۳. نفت خام و گاز طبیعی براساس قیمت صادرات آنها به پالایشگاههای کشور فروخته شود. از سال چهارم اجرای برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی، هزینه اکتشاف و استخراج از درآمد

فروش نفت خام و گاز طبیعی به پالایشگاههای کشورهای کسری و مابقی در صندوق خاص سرمایه گذاری واریز می شود. منابع موجود در صندوق خاص سرمایه گذاری به صورت وام با سود اقتصادی و تضمین کافی در اختیار سرمایه گذاران خصوصی و تعاونی، که در زمینه صادرات و خدمات فعالیت خواهند کرد، قرار داده شود. برگشت سرمایه و سود آن به صورت ارز منظور گردد تا به این ترتیب سرمایه گذاری برای توسعه صادرات و جایگزین نمودن صادرات نفت با صادرات کالاها و خدمات صورت پذیرد.

